

مدینه فاضله فارابی

فارابی از یک فلسفه سکولار و الحادی، حکمت و فلسفه الهی ایجاد می کند



مدینه فاضله
فارابی جامعه‌ای
محسوب می شود
که در دوره نبوی
شکل گرفته است
و در رأس آن پیامبر
اکرم (ص) حضور
دارد و ویژگی هایی
که از حکومت
مطرح می کند با
ادبیات فلسفی و
اما با مفهوم دینی
حکومت اسلامی
تعریف می شود

فلسفه یونان در آن دوران به علت حضور در مکان‌های مختلف دارای قرائت سکولار شده بود، در حالی که فلسفه فارابی منطبق بر بنیادهای هستی‌شناختی است که بر اساس اعتقاد توحیدی و الهیاتی این دانش سبقت بنیادی به خود گرفته است. ارزش‌هایی که فارابی مطرح می کند از دین گرفته شده است و مدینه فاضله، فضیلت و فسق را از قرآن اخذ می کند.

گونه‌شناسی مدینه غیرفاضله

مدینه فاضله‌ای که افلاتون مطرح می کند محقق نشد، در حالی که مدینه فاضله فارابی قبلاً محقق شده بود و رئیس اول این مدینه از نگاه فارابی، پیامبر اسلام (ص) است؛ بنابراین الگوی مدینه فاضله «واقع‌بینانه آرمانی» است. الگوهای رایج در دوران فارابی دو الگوی متأثر از معارف قرآنی و دینی و الگوی در اختیار سلاطین حاکم هستند. فارابی الگوی حاکمیت موجود و فاسد را در قالب ۷۲ مدینه، دو جامعه و دو وضعیت مطرح کرده و مدینه‌های غیرفاضله را به ۴ نوع مدینه تقسیم‌بندی می کند که هر کدام از ۴ نوع مدینه دارای ۶ حالت هستند که در مجموع ۲۴ نوع گونه‌شناسی مدینه غیرفاضله را عنوان می کند و هر کدام در سه سطح دولت کوچک، دولت منطقه‌ای و دولت جهانی مطرح می شوند. شاهکار فارابی در این است که میان دو الگوی رایج معارف قرآنی و سلاطین، الگوی سلاطین را نقادانه حذف و الگوی معارف قرآن را با تصرف و بازخوانی عقلی و فلسفی احیا کرده و در مقابل دستگاه خلافت مطرح می کند. وی این تصرف را در الگوهای رایج انجام می دهد.

فارابی در بازسازی حکمت عملی و فلسفه سیاسی، مدینه فاضله را بر خلاف افلاتون در ۵ سطح ناظر بر واقعیت خارجی بازسازی کرده و مدینه فاضله فارابی جامعه‌ای محسوب می شود که در دوره نبوی شکل گرفته است و در رأس آن پیامبر اکرم (ص) حضور دارد و ویژگی‌هایی که از حکومت مطرح می کند با ادبیات فلسفی و اما با مفهوم دینی حکومت اسلامی تعریف می شود.

فارابی از یک فلسفه سکولار و الحادی که از یونان آمده بود، فلسفه و حکمت الهی ایجاد کرده و بر اساس ادبیات دینی و فرهنگ و معارف قرآنی آن را بازسازی می کند و الگوهایش را الگوهای متأثر از آموزه‌های دینی قرار می دهد.



گفتار

دکتر محسن مهاجرنیا

استاد حوزه و دانشگاه

فارابی متفکر بسیار بزرگی است که وقتی وارد بغداد می شود به تأسیس فلسفه اسلامی و سیاسی اقدام می کند، درحالی که قبل از او چنین فلسفه‌ای شکل نگرفته بود. فارابی در همه بخش‌های فلسفه نظری و عملی ورود کرده و بنیانگذار حوزه علمی گسترده‌ای می شود و بر اساس دانشی که در آن از دستاوردهای یونانی‌ها بهره برده است، مدینه فاضله، حوزه معرفتی گسترده و رهیافت معرفتی عقلی را برای اولین بار در جهان اسلام تأسیس و فلسفه را در قالب حوزه معرفتی گسترده و دانش وسیع، بازسازی و ارائه می کند.

امروزه ما به فارابی و دانش او نیاز داریم

فلسفه قدیم مجموعه گسترده‌ای از دانش‌ها بود و علوم مختلفی در حوزه حکمت نظری و عملی زیرمجموعه این دانش قرار داشتند؛ علوم مانند فیزیک، شیمی، هندسه، طبیعیات، اخلاق، سیاست و اقتصاد، در گذشته جزو فلسفه محسوب می شدند.

بنابراین وقتی از فارابی به عنوان مبدع نام می بریم، به این دلیل است که او مؤسس دایرةالمعارف در حوزه‌های مختلف است.

متأسفانه ما نتوانستیم فارابی را در حوزه‌های مختلف بازسازی کنیم و تا حدودی وی را در حوزه فلسفه مطلق و فلسفه سیاسی احیا کردیم، بخصوص اینکه این فیلسوف

بزرگ در الهیات، فلسفه مطلق و موسیقی اقدامات زیادی انجام داده است.

امروزه در زمانی که به تولید علم دینی، اسلامی سازی و بومی سازی دانش نیاز داریم، خوانش فارابی برای ما دارای اهمیت است.

فارابی قبل از اینکه فیلسوف باشد یک فقیه است و در آثارش نگاه‌های فقیهانه دیده می شود. وی قبل از ورود به فلسفه دارای گرایش‌های عرفانی، ذوقی و اشراقی است؛ زمینه ذهنی که بر او تأثیر گذاشت، آشنایی با رهیافت‌های دینی است که برای او این ذهنیت را ایجاد کرد تا به سمت احیای حوزه معرفتی جدید و خوانش دانش عقلی در راستای فهم معارف الهی حرکت کند.

متأسفانه ما نتوانستیم فارابی را در

حوزه‌های مختلف بازسازی کنیم و تا حدودی وی را در حوزه فلسفه مطلق و فلسفه سیاسی احیا کردیم، بخصوص اینکه این فیلسوف بزرگ در الهیات، فلسفه مطلق و موسیقی اقدامات زیادی انجام داده است.

امروزه در زمانی که به تولید علم دینی، اسلامی سازی و بومی سازی دانش نیاز داریم، خوانش فارابی برای ما دارای اهمیت است.

فارابی قبل از اینکه فیلسوف باشد یک فقیه است و در آثارش نگاه‌های فقیهانه دیده می شود. وی قبل از ورود به فلسفه دارای گرایش‌های عرفانی، ذوقی و اشراقی است؛ زمینه ذهنی که بر او تأثیر گذاشت، آشنایی با رهیافت‌های دینی است که برای او این ذهنیت را ایجاد کرد تا به سمت احیای حوزه معرفتی جدید و خوانش دانش عقلی در راستای فهم معارف الهی حرکت کند.



برش